

بررسی تمایل به مهاجرت از ایران و عوامل مؤثر بر آن

(مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان)*

جواد صادقی جعفری^۱، پگاه شینی میرزاده^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱)

چکیده

مهاجرت یا تمایل به مهاجرت از ایران در گروه‌های متخصص در صورت اشاعه و گستردگی، می‌تواند برای کشور مسئله‌آفرین باشد؛ از این‌رو هدف مقاله، بررسی میزان تمایل به مهاجرت از ایران و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان است. روش تحقیق، پیمایشی و جامعه آماری ۶۲۵۸ نفر دانشجوی شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در دوره‌های تحصیلات تکمیلی است. تحلیل داده‌ها بر اساس نمونه ۲۱۵ نفری انجام و از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای (جنس، مقطع تحصیلی و گروه آموزشی) استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که میانگین نمره تمایل به مهاجرت ۳/۲ از ۵ و از حد وسط مقیاس بزرگتر است. همچنین مشخص شد که درگروه تحصیلی علوم انسانی، میل به مهاجرت کم‌تر از گروه‌های مهندسی و علوم پایه است و وضعیت اقتصادی فرد تأثیری بر میزان میل به مهاجرت ندارد. از دیگر یافته‌ها عدم تفاوت معنادار در میل زنان و مردان به مهاجرت است. نمودار مدل معادله ساختاری، اثر غیرمستقیم تعلق دینی و اعتماد نهادی را بر تمایل به مهاجرت و اثر مستقیم تعلق اجتماعی را بر این متغیر نشان داد. با افزایش تعلق دینی میل به مهاجرت کاهش می‌یابد و اعتماد نهادی بیشتر می‌شود. با افزایش اعتماد نهادی، تعلق اجتماعی افزایش یافته و میل به ماندن بیشتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تمایل به مهاجرت، تعلق اجتماعی، اعتماد نهادی، تعلق دینی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی

* مقاله علمی - پژوهشی

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2024.2004302.1778>

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه مدیریت فرهنگی و رسانه، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sadeghi@soore.ac.ir

^۲ دانش آموخته کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خاتم

sheynipeghah61@gmail.com

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، ص ۵۶-۲۹

مقدمه و بیان مسئله

مهاجرت بین‌المللی و تمایل به آن پدیده‌ای جهانی است؛ چنانچه سازمان بین‌المللی مهاجرت، میزان مهاجرین را در سال ۲۰۵۰ حدود ۴۰۵ میلیون نفر برآورد می‌کند. پدیده‌ای که متأثر از پیوندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سخت متحول بین کشورها تلقی می‌شود و کاستلز^۱ (۲۰۰۹) آن را «عصر مهاجرت» می‌نامد (گیدنز^۲ و ساتن^۳، ۱۳۹۵: ۲۲۸-۲۲۷). بدین ترتیب مهاجرت به‌خودی‌خود و در شرایط طبیعی به‌مثابه پدیده‌ای دارای کارکردهای مثبت و منفی ارزیابی می‌شود. اما در شرایط خاص و در صورتی که میزان تقاضا برای مهاجرت از کشور فزاینده شود یا تقاضای مهاجرت در گروه‌های خاصی از سرآمدان، متخصصان و گروه‌های سنی جوان که جامعه مبدأ به خدمات آن‌ها نیاز دارد متمرکز شود تبدیل به یک مسئله اجتماعی^۴ می‌شود و بیشتر کارکردهای منفی خود را نمایان می‌سازد.

برخی گزارش‌های آماری حکایت از فزونی گرفتن روند مهاجرت از یک سو و میل به مهاجرت از سوی دیگر در گروه‌های اجتماعی پیش‌گفته دارد. آمار نشان می‌دهد از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ درصد ایرانیان متخصص در خارج از کشور از ۲۵٪ به ۳۰٪ رسیده (صلواتی زاده، ۱۳۹۹: ۲۸۲-۲۸۳) و از ۴۲٪ دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی که تمایل به مهاجرت دارند ۱۱٪ آنها برای مهاجرت، اقدام عملی انجام داده‌اند (صلواتی زاده، ۱۳۹۹، ۱۳۹۹: ۵۹). همچنین آمار مؤسسه گالوپ بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ نشان می‌دهد اگر محدودیت‌های جابه‌جایی حذف شوند ۲۷٪ از جمعیت استعدادها^۵ و ۱۹٪ از جمعیت جوانان از کشور خارج می‌شوند (صلواتی زاده، ۱۴۰۰: ۴۸).

برخی پژوهش‌های تجربی نیز مدعی افزایش تمایل به مهاجرت دانشجویان و نخبگان است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹؛ فیروزه سوره و همکاران، ۳۹۹؛ قاضی‌نژاد و اوشانی، ۱۳۹۶؛

^۱ Castles, S.

^۲ Giddens, A.

^۳ Philip W. Sutton

^۴ Social problem

^۵ شاخص پتانسیل خالص جذب استعداد، در واقع پتانسیل مهاجرت افراد تحصیلکرده (دارای مدرک کارشناسی و بالاتر) را می‌سنجد و شاخص پتانسیل خالص مهاجرت جوانان، این شاخص را برای افراد بین ۱۵ تا ۲۹ سال، اندازه می‌گیرد.

شهریاری پور و همکاران، ۱۳۹۶). یکی دیگر از شاخص‌های مسئله‌مندی مهاجرت از ایران، فضای گفتمانی صاحب‌نظران و رسانه‌ها به شمار می‌رود. یک جستجوی ساده نگارندگان مقاله، نشان داد تنها در ۷ روزنامه سراسری^۱ کشور در سال ۱۴۰۱ تعداد ۱۵۵ گزارش و مطلب با عنوان مهاجرت منتشر شده است که اغلب این گزارش‌ها مربوط به مهاجرت از ایران است. در بین صاحب‌نظران نیز در این سال‌ها بحث مهاجرت همواره برجسته بوده است. به طور نمونه، صلواتی (۱۴۰۱) رئیس رصدخانه مهاجرت ایران معتقد است، به طور میانگین بالای ۶۰ درصد استادان و دانشجویان، میل ۷۰ درصدی برای مهاجرت دارند. رنانی (۱۴۰۰) با ابراز نگرانی از روند مهاجرت، معتقد است با مهاجرت نخبگان، جامعه وارد استهلاک تمدنی شده و طبقه متوسط فرهنگی از دست می‌رود. در این صورت میزان عقلانیت جامعه کاهش می‌یابد و جامعه به صورت یک جامعه ژله‌ای در دست جاهلان قرار می‌گیرد و فرسودگی تمدنی رخ می‌دهد. معیدفر (۱۴۰۱) بر این باور است که جامعه ایران با مهاجرت شدید دانشجویان و نخبگان در همه حوزه‌ها مواجه است که به کاهش سرمایه انسانی کشور آسیب می‌رساند و جامعه را در آینده با مشکلات جدی مواجه می‌سازد. وی علت اصلی مهاجرت را در مغایرت اهداف ملی با اهداف و روندهای بین‌المللی می‌داند.

هرچند نحوه بازنمایی مهاجرت در رسانه‌ها به تنهایی دلیل مسئله‌مندی نیست؛ اما با توجه به شواهد مورد اشاره و مشاهدات مستقیم میدانی در خصوص تب تمایل به مهاجرت در بین برخی گروه‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری خانواده‌ها برای مهاجرت فرزندان، به نظر می‌رسد موضوع مهاجرت از ایران به وضعیت «مساله اجتماعی» نزدیک شده است.

مهاجرت گروه‌های تحصیل کرده و متخصص پیامدهای منفی مختلفی را برای جامعه به همراه دارد. ایران به دلیل بیش از یک دهه درگیر شدن در تنش‌های سیاسی خارجی و مواجه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی خاص نیاز به بازسازی‌های مستمر اقتصادی، اجتماعی و امور زیربنایی برای جبران کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها دارد و این امر مستلزم وجود سرمایه‌های انسانی در کنار سایر انواع سرمایه است. از سوی دیگر دانش‌آموختگان دانشگاهی سرمایه‌های نمادین به شمار می‌روند که حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف تأثیر مثبت فرهنگی - اجتماعی به همراه دارد. جنبه دیگر مسئله به روند پیری جمعیت باز می‌گردد. گرچه گزارش‌ها و تحلیل‌های متفاوتی در این ارتباط ارائه شده است؛ اما بازتولید جمعیت از جمله ضرورت‌های کارکردی برای تداوم حیات جامعه محسوب می‌شود. نکته حیاتی دیگر، انگیزه و شرایط مهاجرت نیروهای متخصص و دانشگاهی است.

^۱ روزنامه‌های ایران، اعتماد، شرق، رسالت، دنیای اقتصاد، جام‌جم و کیهان

مهاجرت‌های متأثر از شرایط سیاسی (تضاد و تعارض با نظام حاکم) و اجتماعی (ناامیدی به آینده و احساس بی‌ثباتی اجتماعی یا تبعیض شدید) ممکن است نسبت به مهاجرت با منشأ اقتصادی، پیامدها و آثار نامناسب‌تری در پی داشته باشد. از این‌رو مطالعه و شناخت وضعیت تمایل به مهاجرت و عوامل مرتبط با آن در سرمایه‌های دانشگاهی ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند. به گفته سیمپسون^۱ (۲۰۲۲) با درک بهتر نیروهایی که بر جریان‌های خاص مهاجران تأثیر می‌گذارند (مانند ویژگی‌های جمعیتی، شبکه‌های مهاجر و شرایط اقتصادی)، سیاست‌گذاران می‌توانند سیاست‌هایی را برای هدف قرار دادن (یا کاهش) نوع خاصی از مهاجران تنظیم کنند. با این‌وصف هدف این پژوهش شناخت میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان (به‌عنوان مهم‌ترین دانشگاه حوزه مرکزی کشور) و برخی عوامل محتمل اقتصادی (وضعیت اشتغال و پایگاه اجتماعی-اقتصادی)، فرهنگی (تعلق دینی و تعلق اجتماعی) و سیاسی (اعتماد نهادی) مرتبط با آن است. بر این مبنا دو پرسش اصلی ذیل پی‌گیری شده است:

۱. تمایل به مهاجرت از ایران در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان در چه سطحی است؟
۲. متغیرهای زمینه‌ای، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، چه میزان بر تمایل به مهاجرت تأثیر دارند؟

پیشینه تجربی

علل تمایل به مهاجرت بین‌المللی دانشجویان، هرچند در اغلب تحقیقات در قالب مدل فشار - کشش ارزیابی شده است؛ اما رویکردها و یافته‌ها در زمینه برجسته‌سازی عوامل فشار و کشش متفاوت بوده است. برخی از تحقیقات بر عوامل فشار و برخی دیگر بر عوامل کشش متمرکز شده‌اند. همچنین از حیث توجه به تأثیر متغیرها بر مهاجرت، تعداد متنوعی از متغیرهای اجتماعی - فرهنگی، آموزشی - پژوهشی، اقتصادی - رفاهی و سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته است. علاوه بر آن تأثیر جمعیت‌شناختی در اغلب پژوهش‌ها بررسی شده است.

روزبهرانی و همکاران (۱۴۰۱) در دانشجویان و دانش‌آموختگان علوم ورزشی به این نتیجه رسیدند که بین عوامل مختلف فشار، بیشترین تأثیر مربوط به عوامل آموزشی و پژوهشی است و عوامل سیاسی در مرتبه دوم قرار دارد. حیدری سورشجانی و فلاحی (۱۴۰۰) در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کاشان، محیط کالبدی، رفاه و تأمین اجتماعی بهتر، رضایت شغلی،

¹ Simpson

آزادی در ابراز عقیده، اعتبارات و تسهیلات پژوهشی و زیرساخت‌های ارتباطی کشورهای مقصد را از عوامل مهاجرت دانستند. فیروزه سوره و همکاران (۱۳۹۹) در دانشجویان تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی میزان تمایل به مهاجرت را در سطح خیلی زیاد، ۴۷/۵٪، ارزیابی کرده‌اند و به این نتیجه رسیدند در بین عوامل رانشی، عامل سیاسی در رتبه اول و عامل اقتصادی در رتبه دوم و در بین عوامل کششی، عوامل سیاسی رتبه اول و عوامل اجتماعی در رتبه دوم قرار دارند.

قمریان و همکاران (۱۳۹۸) در بین دانشجویان دانشگاه‌های شریف و علم و صنعت، نداشتن درآمد کافی، بیکاری، برخوردار نبودن از شغل متناسب با رشته تحصیلی را عوامل تمایل به مهاجرت از ایران گزارش کرده‌اند. فقیهی (۱۳۹۸) در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران میزان تمایل به مهاجرت را ۴۶/۴٪ در سطح متوسط و ۳۸٪ در سطح بالا گزارش و نشان داد عوامل فرهنگی (الگوسازی و الگوپذیری از کشورهای پیشرفته، دسترسی تعاملاتی، دسترسی ارتباطی) با گرایش به مهاجرت رابطه معنادار دارد. سلیمی (۱۳۹۷) در بین دانشجویان دانشگاه تهران تمایل به مهاجرت را ۶۰/۹٪ شناسایی کرد و مهم‌ترین عامل را عوامل علمی - پژوهشی گزارش کرد. قاضی‌نژاد و اوشانی (۱۳۹۶) در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی تهران به این نتیجه رسیدند که ۴۱/۵٪ تمایل زیادی به مهاجرت دارند و هرچه میزان بازتعریف و بازنگری در معانی، ارزش‌ها و مبانی هویت فرد بیشتر باشد و به مختصات هویت مدرن نزدیک‌تر گردد بر میزان تمایل به مهاجرت وی از کشور افزوده می‌گردد.

شهریاری پور و همکاران (۱۳۹۶) در بین دانشجویان نخبه دانشگاه سمنان به این نتیجه رسیدند که ۵۴/۸٪ دانشجویان گرایش متوسط به بالا به مهاجرت دارند و جو دانشگاه و هماهنگی نظام ارزشی فرد با نظام ارزشی کل با میزان تمایل به مهاجرت در ارتباط است. فروتن و شیخ (۱۳۹۶) در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد دریافتند که نیمی از جامعه آماری تمایل به مهاجرت از ایران دارند و احساس امنیت، دین‌داری و هویت ملی بالاتر تمایل به مهاجرت را کاهش می‌دهد. همچنین سطح بالاتر دستمزد، فرصت‌های شغلی بهتر و گذران بهتر اوقات فراغت جوامع مقصد، عوامل کششی برای دانشجویان است. زارع و هاشمی (۱۳۹۴) در جامعه آماری دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی دریافتند ۴۶/۸٪ از دانشجویان گرایش متوسط و ۳۰/۶٪ گرایش بالا به مهاجرت دارند. همچنین بین انواع دین‌داری و تمایل به مهاجرت رابطه معنادار در حد متوسط وجود دارد.

در خارج از ایران، شولر^۱ و رابنو^۲ (۲۰۲۲) دریافتند که برای دانشجویان، الزامات قانونی، منابع اجتماعی، منابع روان‌شناختی، منابع مالی، وضعیت جمعیتی، دسترسی به حمل‌ونقل، روابط دیپلماتیک / وابستگی بین کشورهای مبدأ و مقصد و آشنایی با زبان عوامل مؤثر در انتخاب کشور مبدأ است. کبیر (۲۰۲۱) در بین دانشجویان کشور بنگلادش به این نتیجه دست یافت که مردان جوان برای فرصت‌های شغلی بهتر و معیشت استاندارد، آرزوی رفتن به خارج از کشور را دارند، درحالی‌که زنان جوان تمایل دارند برای امنیت شخصی و زندگی مطمئن این کار را انجام دهند.

نغیا^۳ (۲۰۱۹) دریافت که در بین عوامل کششی، عوامل مرتبط با توسعه شغلی بین‌المللی، بهبود مهارت زبان خارجی، و تجربه بین‌المللی بیشترین تأثیر را بر تصمیم دانشجویان ویتنامی برای تحصیل در خارج از کشور داشته است. پلوپانو^۴ و همکاران (۲۰۱۸) در بین دانشجویان کشور رومانی به این نتیجه رسیدند که انگیزه‌ها و نگرش‌ها نسبت به یک محیط شایسته‌سالار برای پیشرفت حرفه‌ای، و آزادی فردی عوامل کلیدی برای تصمیم مهاجرت دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی هستند. همچنین پژوهش بر نقش ثانویه دین‌داری و انتقال بین‌نسلی تجربه مهاجرت ولدین تأکید دارد. نهایتاً انگیزه‌های غیراقتصادی بیش از انگیزه‌های اقتصادی برای تصمیم بالقوه برای مهاجرت پس از فارغ‌التحصیلی تأثیر دارد.

ابوت^۵ و سیلس^۶ (۲۰۱۶) در بین دانشجویان بین‌المللی در ۳۸ کشور دریافتند فاصله جغرافیایی و وجود یک‌زبان مشترک در توضیح جریان‌های دانشجویی دوجانبه قدرتمند هستند. میهی رامیرز^۷ و کومپیکايت^۸ (۲۰۱۴) در بین دانشجویان اروپا انگیزه‌های اصلی مهاجرت را دلایل اقتصادی شناسایی کردند.

حاصل سخن آنکه، هرچند در سال‌های گذشته موضوع مهاجرت، موردتوجه محققان قرار داشته است؛ اما رصد و پایش مستمر این پدیده به سبب شرایط ویژه کشور همواره از اهمیت برخوردار است. ضمن آنکه میزان گرایش به مهاجرت تحت‌تأثیر شرایط زمانی و مکانی متفاوت است و در سال‌های اخیر گزارشی از دانشگاه اصفهان در نشریات علمی منتشر نشده است. از سوی دیگر در

¹ Or Shkoler

² Edna Rabenu

³ Tran Le Huu Nghia

⁴ Aurelian-Petrus, Plopeanu

⁵ Andrew Abbott

⁶ Mary Silles

⁷ Antonio Mihi-Ramirez

⁸ Vilmante Kumpikaite

اغلب موارد انگیزه‌های میل به برون کوچی به طور مستقیم پرسش شده است اما در این پژوهش رابطه میل به مهاجرت با نگرش دانشجویان به نهادهای سیاسی و فرهنگی بررسی شده است که تا حدودی از نظر روش با اغلب پژوهش‌های پیشین متفاوت است.

دیدگاه نظری

نظریه پردازان حوزه مهاجرت از زوایای مختلفی به این پدیده جهانی توجه داشته‌اند. گیدنز و ساتن (۱۳۹۵) چهار الگوی مهاجرت و تحرک جمعیت از سال ۱۹۴۵ به بعد در جهان را شامل مدل «کلاسیک» در کشورهای امریکا، کانادا و استرالیا، مدل «استعماری» در کشورهای فرانسه و انگلستان، مدل «کارگران مهمان» در کشورهایی از قبیل آلمان، سوئیس و بلژیک و مدل «مهاجرت غیرقانونی» معرفی کرده‌اند. این جامعه‌شناسان از نوع دیگری از مهاجرت که «آوارگی» (جابه‌جایی ناخواسته مردم بر اثر حوادث تلخ یا خشونت) به آن اطلاق می‌شود نیز نام برده‌اند (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۵: ۲۴۰-۲۲۸).

از منظری دیگر دانشوران این حوزه به عوامل مؤثر بر مهاجرت بین‌المللی پرداخته‌اند. مدل‌های فشار - کشش، عوامل اقتصادی، محیطی و جمعیتی را شناسایی می‌کنند که فرض می‌شود افراد را از مکان‌های مبدأ بیرون کرده و آنها را به مکان‌های مقصد می‌کشند. «عوامل فشار یا رانش» معمولاً شامل رشد و تراکم جمعیت، کمبود فرصت‌های اقتصادی و سرکوب سیاسی است، درحالی‌که «عوامل کشش» معمولاً شامل تقاضا برای نیروی کار، در دسترس بودن زمین، فرصت‌های اقتصادی و آزادی‌های سیاسی است (کاستلز و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۸). به گفته سیمپسون (۲۰۲۲) خانواده‌ها وقتی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که ارزش خالص فعلی^۱ مهاجرت مثبت باشد به عبارت دیگر مزایای خالص مهاجرت بیشتر از هزینه‌های آن باشد. سیمپسون عوامل فشار و کشش را به دو بخش اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم کرد. عوامل اقتصادی فشار عبارت‌اند از: فقر، دستمزد پایین، مالیات‌های بالا، بیکاری بالا، ازدیاد جمعیت و عوامل غیراقتصادی شامل: فشار، تبعیض، مراقبت‌های بهداشتی ضعیف، جنگ، فساد، جرم، خدمت نظامی اجباری، محیط‌زیست، آب‌وهوا و قحطی است. وی عوامل اقتصادی کشش را تقاضا برای نیروی کار، دستمزد بالا، مزایای رفاهی سخاوتمندانه، سیستم‌های بهداشتی و آموزشی خوب، رشد اقتصادی قوی، فن آوری، هزینه کم

¹ Net present value

زندگی و عوامل غیراقتصادی کشش را، خانواده و دوستان، شبکه‌ها، آزادی، حقوق مالکیت، قانون و نظم، امکانات رفاهی، فرهنگ و زبان می‌داند (سیمپسون، ۲۰۲۲).

منتقدان به نظریه فشار - کشش این نظریه را ساده‌انگارانه تلقی کرده و مهاجرت جهانی را یک «نظام» به شمار می‌آورند که حاصل تعامل فرایندهای خرد و کلان است. عوامل کلان مثل موضوعاتی چون وضع سیاسی یک منطقه، تغییرات اقتصادی و مقررات مهاجرت و عامل‌های خرد متشکل از منابع، اطلاعات و شناخت فرد مهاجر است (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۵: ۲۳۸). در همین ارتباط هاس^۱ (۲۰۲۱) معتقد است مدل فشار - کشش موضوع مهاجرت را صرفاً می‌تواند از نگاه پوزیتیویستی و به طور ضمنی، کارکردگرایانه بررسی و افراد را به مثابه موجودات فایده طلب در نظر بگیرد و از پرداختن به نقش ساختارها ناتوان است. وی الگویی را پیشنهاد می‌کند که در آن تعامل عاملیت (آرزوها و قابلیت‌ها) با ساختارهای کلان در شکل دهی به مهاجرت دیده شود.

بر اساس تئوری نظام‌های جهانی، والرش‌تاین^۲ (۱۹۷۴)، مهاجرت، نتیجه طبیعی اختلالات و نابسامانی‌هایی است که ناگزیر در روند توسعه سرمایه‌داری رخ می‌دهد (ماسی و همکاران، ۱۹۹۳). استارک^۳ در «نظریه محرومیت نسبی» مهاجرت را پاسخی به رفع محرومیت‌ها و نارضایتی‌ها می‌داند. در حقیقت فاصله بین اهداف ارزشمند و ابزار دستیابی به اهداف موجب احساس محرومیت نسبی می‌شود و اگر فرد منابعی را برای غلبه بر محرومیت‌های خود در خارج از سازمان اجتماعی محل خود (مبدأ) درک کند؛ تصمیم به مهاجرت می‌گیرد (استارک، ۱۹۸۴). «نظریه نئوکلاسیک» که در دو سطح خرد و کلان توسط تودارو^۴ (۱۹۶۹) و هریس^۵ و تودارو (۱۹۷۰) ارائه شد، مهاجرت را تابعی از تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار می‌داند. تفاوت‌های دستمزد، کارگران را تشویق می‌کند که از مناطق کم دستمزد و با نیروی کار مازاد به مناطق با دستمزد بالا و نیروی کار کم، حرکت کنند (کاستلز و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۰).

پیور^۶ (۱۹۷۹) در نظریه «بازار کار دوگانه»، استدلال می‌کند که مهاجرت توسط عوامل فشار در کشورهای مبدأ (دستمزد کم یا بیکاری بالا) ایجاد نمی‌شود، بلکه توسط عوامل کششی در کشورهای مقصد (نیاز مزمن و اجتناب‌ناپذیر به کارگران خارجی) ایجاد می‌شود (ماسی و همکاران،

¹ Hein de Haas

² Wallerstein

³ Stark, O.

⁴ Todaro, M.P

⁵ Harris, J.R

⁶ Piore

۱۹۹۳). قاتک^۱ و همکاران (۱۹۹۶) مهاجرت را پاسخی به تفاوت دستمزد نمی‌دانند و فرایند خودانتخابی^۲ را تعیین‌کننده‌های مهمی در میزان مهاجرت می‌دانند. همچنین گفته شده است مواردی مانند دردسترس بودن کالاهای عمومی، تحصیل کودکان، مراقبت‌های پزشکی، کیفیت زندگی و غیره نیز می‌تواند بر تصمیمات مهاجرت تأثیرگذار باشد.

نظریه «شبکه مهاجرت» مهاجرت را به‌عنوان یک فرایند انتشار در نظر می‌گیرد که در آن شبکه‌های گسترش‌یافته باعث کاهش هزینه‌های جابه‌جایی و افزایش احتمال مهاجرت می‌شود. در ایده «فراملیتی» ارائه شده توسط باش^۳ و همکاران (۱۹۹۴) نیز استدلال شده است که جهانی‌شدن توانایی مهاجران را برای حفظ روابط شبکه‌ای در فواصل طولانی افزایش داده و این امر توانایی مهاجران را برای پرورش هویت‌های چندگانه، سفر رفت‌و برگشت، ارتباط با مردم، کار و انجام تجارت و سیاست به طور هم‌زمان در مکان‌های دور افزایش داده است (کاستلز و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۱-۴۰). لبلانگ و پیترز^۴ (۲۰۲۲) شبکه‌های مهاجر را به‌عنوان پایه و اساس جهانی‌شدن و جزء ضروری نظم اقتصادی بین‌المللی لیبرال می‌دانند و اذعان می‌دارند که این امر به‌ویژه در حمایت از جهانی‌شدن در کشورهای در حال توسعه مهم است.

بر اساس نظریه نظام آموزشی اقتباسی، نخستین علت فرار مغزها از کشورهای در حال رشد به‌نظام آموزشی آنان ارتباط دارد که به تقلید از الگوهای آموزشی کشورهای اروپایی به وجود آمده است. مبتنی بر این دیدگاه، آلتنباخ و همکاران (۲۰۰۹) امکانات آموزشی باکیفیت پایین و دسترسی نداشتن به امکانات پیشرفته تحقیقاتی را از جمله مهم‌ترین عوامل در توجیه مهاجرت دانشجویان کشورهای جهان سوم بیان کرده‌اند (شهریاری پور و همکاران، ۱۳۹۶).

چارچوب نظری

با استنباط از پیشینه‌های تجربی و نظریه‌های مرور شده، تمایل دانشجویان به مهاجرت از کشور را می‌توان در چشم‌انداز الگوی فشار - کشش، بررسی و عوامل اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی را به‌مثابه عامل‌های فشار یا کشش در نظر گرفت. بر این مبنا یکی از عوامل فشار مسئله رفاه و اقتصاد است. باتوجه‌به بیش از یک دهه (دهه ۹۰ شمسی) مواجهه کشور با نرخ رشد پایین

¹ Ghatak, S.

² process of self-selection

³ Basch

⁴ David Leblang and Margaret E. Peters

و تورم اقتصادی مستمر^۱، بیکاری و کاهش ارزش پول ملی؛ می‌توان انتظار داشت که چشمداشت‌های رفاهی، تقاضای اشتغال، درآمد بیشتر و انگیزه پیشرفت، عاملی برای ترغیب به مهاجرت گروه‌های متخصص باشد. در این ارتباط فرض می‌شود که وضعیت اقتصادی افراد در تمایل آن‌ها به مهاجرت تاثیر داشته باشد. به سخن دیگر میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان با وضعیت های شغلی متفاوت، تفاوت معنادار داشته باشد. همینطور افراد پایگاه های اجتماعی - اقتصادی مختلف، تفاوت معناداری را در میزان تمایل به مهاجرت نشان دهند.

اما برابر یافته های قبلی در این انتخاب، عوامل فرهنگی - اجتماعی نقش اساسی دارد. با الهام از اصطلاح «ارزش خالص مهاجرت» سیمپسون (۲۰۲۲) تعارض فرهنگی با فرهنگ جامعه مقصد و همگرایی فرهنگی با ارزش های جامعه مبدأ در محاسبات مهاجرت نقش ایفا می‌کند. زبان، آداب و رسوم فرهنگی، «خاطره جمعی»^۲، خلیات، آزادی و اختیار در انتخاب سبک زندگی، مسائل مربوط به جنسیت، هویت، مسئله قومیت و... ممکن است به عنوان عامل ترغیب کننده یا مانع مهاجرت عمل نماید. در این میان به ویژه میزان «احساس تعلق به دین» و بیم و نگرانی در باره حفظ پیوندهای دینی، می‌تواند افراد دین دار را به زیستن و تحمل برخی محدودیت ها در کشور تشویق کند. گرایش به ارزش های دینی نشان دهنده تمایل به مشخصات هویت سنتی نیز به حساب می‌رود و تمایل بیشتری به ماندن ایجاد می‌کند تا مهاجرت. به گفته داوانزو^۳ (۱۹۸۱) تعلقات دینی بخشی از «سرمایه بومی» است که انتقال آن به خارج از کشور دشوار می نماید و می‌تواند تصمیم به مهاجرت را سست کند. از سوی دیگر، دین داری، افراد را به شبکه های اجتماعی حمایت کننده ای پیوند می‌زند که فرد با مهاجرت از آن محروم می‌شود (به نقل از زارع و هاشمی، ۱۳۹۴). دلبستگی به مناسک جمعی، مکان های مقدس و حضور در شبکه روابط و تعاملات مذهبی، به مثابه سرمایه دینی، تعادل ارزش خالص مهاجرت را به نفع ماندن سنگین می‌کند. همچنین دین عامل برجسته ایجاد «خاطره جمعی» است (هالباکس، ۱۹۵۲ به نقل از: اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۳۹) که علقه اجتماعی را افزایش می‌دهد و تصمیم به مهاجرت را دشوارتر می‌کند. مایرز^۴ (۲۰۰۰) نیز استدلال کرد که سطوح بالای مشارکت مذهبی و عضویت در سازمان های مذهبی نوعی سرمایه

^۱ طبق گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم سالانه طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ صرفاً در سال های ۹۵ و ۹۶ زیر ده درصد بوده و طی سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ بالاتر از ۴۰ درصد گزارش شده است. نرخ تورم در سال ۱۴۰۱ برابر ۴۶.۵ درصد گزارش شده است (سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲).

^۲ Collective Memory

^۳ DaVanzo

^۴ Myers, S. M.

مذهبی خاص کشور مبدأ است که جایگزینی یا تکرار آن در منطقه مقصد، ممکن است دشوار یا غیرواقعی باشد و بنابراین احتمال مهاجرت را کاهش می‌دهد.

«تعلق اجتماعی»^۱ متغیر تعیین‌کننده دیگر در ارتباط با مهاجران بالقوه است. تعلق اجتماعی به معنای داشتن احساس وابستگی به چیزی فراتر از خود است. گابریل پولینی^۲ در تعریف تعلق اجتماعی می‌گوید «حالتی که در آن هر فرد به واسطه نقشی که ایفا می‌کند خود را عضوی از جمع اجتماعی^۳ معرفی می‌کند» (پولینی، ۲۰۰۵: ۴۹۸). تعلق اجتماعی می‌تواند بیانگر برآیند احساسات فرد، نسبت به مجموع عوامل فشار نیز باشد. احتمالاً به میزانی که کنش‌گران بتوانند اهداف آرزوهای خود را در جامعه مبدأ دست‌یافتنی ببینند و به‌نظام ارزشی جامعه دلبستگی و اعتماد بیشتری داشته باشند از تعلق اجتماعی بالاتری برخوردارند و تمایل به مهاجرت از کشور در آنها کاهش می‌یابد.

دسته دیگر متغیرهای مرتبط با مهاجرت را می‌توان در سپهر سیاسی حال حاضر ایران ردیابی کرد. سیمپسون (۲۰۲۲) معتقد است که شرایط سیاسی پیچیده که باعث ایجاد عدم‌اطمینان در کشور مبدأ می‌شود می‌تواند به‌عنوان یک عامل فشار عمل کند. به طور مثال معیارهای آزادی سیاسی که توسط بنیاد هریتج (Heritage) تولید می‌شود اغلب در تحلیل‌های تجربی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مهم جریان‌های مهاجر شناخته می‌شود. متغیر «اعتماد نهادی»^۴ یکی از شاخص‌های برجسته در این ارتباط است که بر اساس الگوی پیشنهادی هاس (۲۰۲۱) و به عنوان عامل ساختاری بر محاسبات مهاجرت نقش آفرین است. اعتماد نهادی به‌عنوان جزئی از دایره اعتماد اجتماعی است که به معنی اعتماد و پذیرش عمومی نسبت به نهادها در دو حیطه حاکمیتی (نظام سیاسی و نهادهای حاکمیتی) و نهادهای مدنی است (سردارنیا و همکاران، ۱۴۰۰). کاهش اعتماد نهادی، کاهش امیدواری به آینده و احساس عدم‌اطمینان را بویژه در گروه‌های سنی جوان شکل داده و موجب افزایش گرایش به مهاجرت می‌شود.

مبتنی بر استدلال‌های پیش‌گفته، این پژوهش علاوه بر بررسی متغیرهای زمینه‌ای، مبنای تبیین را بر متغیرهای، وضعیت اقتصادی، تعلق دینی، تعلق اجتماعی و اعتماد نهادی بار ساخته است. انتظار می‌رود میزان تعلق دینی در حالیکه به صورت مستقیم بر میل به مهاجرت تاثیر دارد

¹ social belonging

² Pollini, Gabriele

³ Social Collectivity

⁴ institutional trust

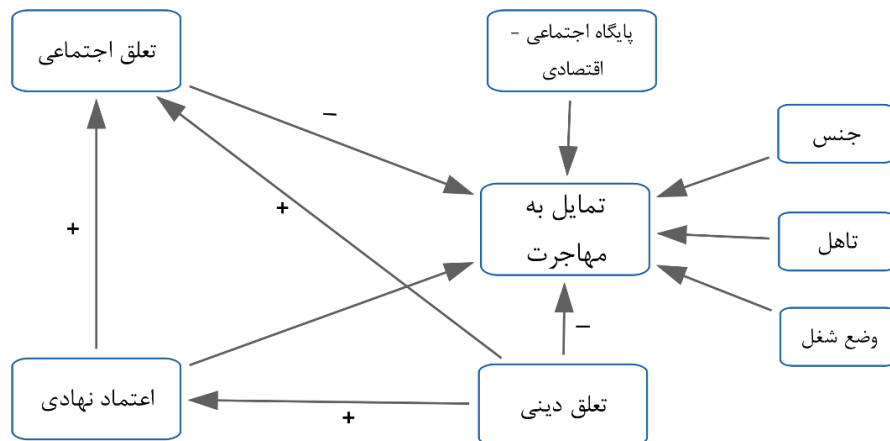
از طریق تاثیر بر اعتماد نهادی نیز تمایل به مهاجرت را کاهش دهد. این نکته به دلیل ماهیت دینی نظام حکمرانی در ایران است. به همین دلیل، فرض بر این است که افراد با علقه دینی بالاتر تعلق اجتماعی بالاتری را نشان دهند و از اینرو تمایل کم تری به مهاجرت نشان دهند. از سوی دیگر هرچه میزان اعتماد نهادی افزایش یابد، تعلق اجتماعی نیز بیشتر و تمایل به مهاجرت کاهش می یابد. اعتماد نهادی به صورت مستقیم نیز تمایل به مهاجرت را کاهش می دهد.

شناخت نحوه مداخله ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در میزان تمایل به مهاجرت همواره می تواند مفید و تعیین کننده باشد. تاثیر جنس بر تمایل به مهاجرت از دو زاویه قابل تامل است. از یک سو فرض می شود مردان به دلیل در اختیار داشتن امکانات بیشتر فرهنگی برای مهاجرت و اولویت شغلی تمایل بیشتری به مهاجرت داشته باشند. از سوی دیگر ممکن است برخی محدودیت‌های انتخاب سبک زندگی، عامل رانشی برای زنان ایجاد و تمایل آنان را برای مهاجرت افزایش داده باشد. با این وصف کنترل تفاوت در تمایل به مهاجرت در گروه زنان و مردان اهمیت دارد.

از دیگر متغیرها وضعیت تاهل است. بنظر می‌رسد افراد مجرد آزادی عمل بیشتری برای مهاجرت دارند. افراد متاهل به دلیل تعلق های خانوادگی و وابستگی‌های خانوادگی وسیع تر محدودیت‌های بیشتری برای مهاجرت دارند. ازسوی دیگر ممکن است برخی جوامع هدف مهاجرت، تمایل بیشتری به جذب خانواده ها نشان دهند. از این منظر انتظار می رود تمایل به مهاجرت در دو گروه متاهل و مجرد متفاوت باشد.

مقطع تحصیلی نیز به صورت دوگانه‌ای قابل تفسیر است. از یک سو دانشجویان دوره دکتری با امکان بالاتر توسعه شغلی و دستیابی به سطح رفاهی بالاتر احتمالاً انگیزه های مهاجرتی بیشتری دارند. از سوی دیگر دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد ممکن است انگیزه های تحصیلی و آموزشی بالاتری برای مهاجرت داشته باشند لذا بررسی تفاوت در میل به مهاجرت در این دو گروه راهگشا می‌باشد.

گروه آموزشی (علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی) دیگر متغیر زمینه ای مورد بحث است. می توان استدلال کرد در گروه‌های فنی و علوم پایه امکان دستیابی به شغل در کشورهای هدف بیشتر است. همین نکته عامل کششی برای مهاجرت بیشتر این گروه از دانشجویان بحساب می آید. دانشجویان گروه علوم انسانی بویژه در رشته هایی مثل ادبیات فارسی، معارف اسلامی و تاریخ شاید امکان کمتری برای دریافت شغل مناسب در جامعه مقصد داشته باشند.



شکل شماره ۱: مدل تحلیلی متغیرهای مرتبط با تمایل به مهاجرت

فرضیه‌های پژوهش

۱. میزان تمایل به مهاجرت در جامعه آماری از سطح متوسط مقیاس بالاتر است.
۲. میزان تمایل به مهاجرت بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (جنس، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، گروه تحصیلی) متفاوت است.
۳. میزان تمایل به مهاجرت بر حسب وضعیت اقتصادی (وضع اشتغال و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) متفاوت است.
۴. متغیرهای تعلق دینی، اعتماد نهادی و تعلق اجتماعی اثرات مستقیم و غیر مستقیم بر میزان تمایل به مهاجرت دارد.

روش پژوهش

تحقیق از نوع کمی و فرایند اجرایی تحقیق به روش پیمایشی است. جامعه آماری را دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان در ۱۵ دانشکده به میزان ۶۲۵۸ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ شکل داده است. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار spss sample power و با در نظر گرفتن آلفای ۰/۰۵ (سطح اطمینان ۰/۹۵)، توان آزمون ۸۰٪ (خطای بتا ۰/۲۰)، اندازه اثر ۱۵٪، ۲۷۰ نفر محاسبه و از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای (به دلیل در اختیار نداشتن چارچوب نمونه‌گیری و فقدان امکان استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای) استفاده شده است. برای این منظور آمار دانشجویان

به تفکیک گروه تحصیلی (۳۲۲۴ نفر انسانی، ۱۶۲۰ نفر علوم پایه و ۱۳۹۴ نفر فنی- مهندسی)، مقطع تحصیلی (۲۲۵۷ نفر کارشناسی ارشد و ۴۰۰۱ نفر دکتری) و جنس (۳۳۳۲ نفر زن و ۲۹۲۶ نفر مرد) احصاء و متناسب جمعیت هر گروه، سهم گروه از نمونه آماری (۲۷۰ نفر) تعیین شد و نهایتاً ۲۱۵ پرسش‌نامه صحیح حاصل شد.

برای سنجش میزان تمایل به مهاجرت از مقیاس فقیهی (۱۳۹۸) که در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای تنظیم شده است استفاده شد. این مقیاس با ارائه عبارت‌هایی (گویه) در مورد گرایش به مهاجرت از ایران، دیدگاه پاسخگویان را در قالب گزینه‌های کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌سنجد. داده‌های حاصل از ۱۱ گویه در این مقیاس به صورت محاسبه نمره میانگین و در بازه نمرات ۱ تا ۵ به دست آمد. گویه‌ها به دو صورت منفی و مثبت طراحی شده است که نگرش پاسخ‌گویان را به تمایل به مهاجرت می‌سنجد. گویه‌هایی مانند: «تا به حال به مهاجرت از ایران فکر نکرده‌ام»، «زندگی در خارج از ایران آرزوی من است»، «زندگی در ایران را به مهاجرت از آن ترجیح می‌دهم»، «معتقدم که با مهاجرت از ایران تولدی دوباره خواهم داشت»، «فکر می‌کنم برای زندگی بهتر باید به خارج از کشور مراجعه کنم»، «در حال حاضر هر دانشگاه خارجی که پذیرش بدهد حتماً از ایران خواهم رفت». پایایی و روایی این مقیاس در پژوهش قبلی تایید شده است.

برای سنجش متغیرهای تعلق اجتماعی، تعلق دینی، اعتماد نهادی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی از پرسش‌نامه صادقی جعفری و همکاران (۱۳۹۷) استفاده شد. مقیاس تعلق اجتماعی دارای دو مؤلفه تعلق عاطفی (داشتن حس وفاداری و احساس مثبت به جامعه) و تعلق عملی (تمایل به مشارکت و درگیر شدن در امور اجتماعی بدون در نظر گرفتن نفع آنی فردی) است و هر مؤلفه با ۶ گویه در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت سنجش شده است.

مقیاس تعلق دینی نیز با ۷ گویه، گرایش و دیدگاه افراد را در مورد دین اندازه‌گیری کرده است. گویه‌ها مواردی مثل آرامش گرفتن از دین، افزایش اطلاعات دینی، تقید به تکالیف دینی، تشویق دیگران به امور دینی، جایگاه و اهمیت داشتن دین و تمایل به تغییر دین را دربر گرفته است. مقیاس اعتماد نهادی، نظرات جامعه نمونه را در مورد میزان اعتماد به نهادهای دولت، مجلس، دستگاه قضایی، پلیس، سیاستمداران، شورای شهر و سازمان صداوسیما می‌سنجد. مقیاس‌های فوق در سطح سنجش فاصله‌ای استفاده شده است.

سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سه روش «اشتهاری»، «عینی» و «ذهنی» انجام می‌شود (کوئن، ۱۳۹۹: ۲۹۸-۲۹۷) که در این پژوهش از روش ذهنی استفاده شده است. برای عملیاتی کردن این مفهوم از ۵ شاخص تحصیلات، درآمد، سبک زندگی، محله زندگی و برآورد کلی فرد از جایگاه خود در مقایسه با دیگران استفاده شد و پاسخگویان وضعیت خود را در ۵ پایگاه: طبقه کارگری، طبقه متوسط پایین، طبقه متوسط، طبقه متوسط بالا و طبقه مرفه ارزیابی کرده‌اند. این مقیاس در سطح سنجش رتبه‌ای به کار گرفته شد. پرسش‌نامه با دو روش آنلاین (در محیط «گوگل فرم») و حضوری اجرا شد.

روایی و پایایی

جدول (۱) اعتبار همگرا مقیاس‌های تحقیق

متغیرها	تعداد گویه	KMO	AVE
تعلق عاطفی	۶	۰/۸۷۸	۵۷/۶۷
تعلق عملی	۶	۰/۸۲۰	۵۷/۰۹
تمایل به مهاجرت	۱۱	۰/۹۵۴	۶۴/۶۵
تعلق دینی	۷	۰/۹۱۷	۶۹/۰۸
اعتماد نهادی	۷	۰/۹۲۴	۶۷/۹۷

روایی مقیاس‌ها از طریق اعتبار همگرا (شاخص AVE^1) و استفاده از تکنیک تحلیل عاملی محاسبه شد (جدول شماره ۱). تکنیک تحلیل عاملی، راهکاری برای بررسی روایی یک سنجه است. بدین ترتیب که هر سنجه در صورتی روایی دارد که تنها یک عامل را اندازه‌گیری کند؛ بنابراین «آزمون چرخش واریماکس» این موضوع را نشان می‌دهد. از این رو برای هریک از متغیرها این آزمون اجرا شد. همچنین تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم، در نرم‌افزار AMOS اعتبار مدل اندازه‌گیری تعلق اجتماعی را در دو مؤلفه تأیید کرد. شاخص AVE به معنای میانگین واریانس‌های استخراج شده است و برای هر مقیاس، اندازه آن بایستی ۰/۵۰٪ یا بالاتر باشد تا اعتبار همگرا در مقیاس مورد قبول قرار گیرد (حبیبی و کلاهی، ۱۴۰۱). پایایی نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (جدول شماره ۲) برای تمامی مقیاس‌ها در حد مطلوب به دست آمد. میزان بارهای عاملی

¹ Average Variance Extraction

و ضرایب تعیین برای هر گویه در مدل شماره ۱ مشخص شده و در تمامی موارد از ۰/۴۰ بزرگ‌تر است که خود نشان از پایایی مقیاس‌های تحقیق دارد.

جدول (۲) برآورد پایایی پرسش‌نامه

متغیرها	تعداد گویه	ضرایب آلفای کرونباخ
تعلق عاطفی	۶	۰/۸۵
تعلق عملی	۶	۰/۸۴
تعلق اجتماعی	۱۲	۰/۸۹
تمایل به مهاجرت	۱۱	۰/۹۳
تعلق دینی	۷	۰/۹۲
اعتماد نهادی	۷	۰/۹۰

تحلیل داده‌ها با استفاده از دو نرم‌افزار SPSS و AMOS نسخه ۲۴ انجام شد.

یافته‌ها

الف) توصیف داده‌ها

جامعه نمونه از نظر جنس ۴۱.۹٪ مرد و ۵۸.۱٪ زن و از نظر وضعیت تأهل ۷۳٪ مجرد و ۲۶.۵٪ متأهل بوده‌اند. از نظر مقطع تحصیلی ۷۶.۷٪ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۲۲.۸٪ در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بوده‌اند. از نظر وضعیت اشتغال نیز ۱۳٪ شاغل تمام‌وقت، ۲۵.۶٪ شاغل نیمه‌وقت و ۶۱.۴٪ آنان غیرشاغل بوده‌اند. در مورد گروه تحصیلی نیز ۴۰.۹٪ در گروه علوم انسانی، ۴۱.۹٪ در گروه علوم پایه و ۱۷.۲٪ در گروه فنی و مهندسی شاغل به تحصیل بوده‌اند. از نظر پایگاه اقتصادی اجتماعی ۱۲.۱٪ در طبقه کارگری، ۳۴٪ طبقه متوسط پایین، ۴۶٪ طبقه متوسط و ۷.۹٪ در طبقه متوسط بالا، طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول (۳) آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق (n=215)

متغیر	میانگین (از ۵)	انحراف معیار	کشدگی	چولگی
تمایل به مهاجرت	۳/۲۷	-۰/۹۵	-۰/۵۸	-۰/۳۴
تعلق اجتماعی	۲/۸۱	۰/۷۶	-۰/۴۱	۰/۲۵
تعلق عاطفی	۲/۶۴	۰/۹۰	-۰/۴۱	۰/۳۲

متغیر	میانگین (از ۵)	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
تعلق عملی	۲/۹۱	۰/۸۹	-۰/۴۱	-۰/۱۷
تعلق دینی	۳/۲۹	۱/۰۴	-۰/۹۱	-۰/۲۸
اعتماد نهادی	۱/۸۷	۰/۸۱	-۰/۶۵	۰/۶۶

ب) آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: تمایل به مهاجرت در جامعه آماری از سطح متوسط مقیاس بالاتر است.

جدول (۴) آزمون تی تک نمونه‌ای متغیر تمایل به مهاجرت

اندازه t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	انحراف معیار	میانگین
۴/۱۵	۲۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۷	۰/۹۵	۳/۲۷

آزمون تی با عدد ملاک ۳ (متوسط مقیاس) انجام و چنانچه در جدول (۴) نشان داده شده است تفاوت میانگین تمایل به مهاجرت که عدد ۳/۲۷ است با عدد ۳ معنادار است؛ لذا فرضیه اول تأیید می‌شود. به سخن دیگر در جامعه آماری نیز میزان تمایل به مهاجرت، در سطح اطمینان ۹۹٪، در حد متوسط مقیاس و کمی بالاتر از آن است.

فرضیه دوم: میزان تمایل به مهاجرت بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (جنس، وضع تاهل، مقطع تحصیلی، گروه آموزشی) متفاوت است.

جدول (۵) آزمون تی گروه‌های مستقل میانگین نمره تمایل به مهاجرت به تفکیک

متغیرهای زمینه‌ای

جنس		تاهل		مقطع تحصیلی	
مرد	زن	متاهل	مجرد	دکتری	ارشد
۹۰	۱۲۵	۵۷	۱۵۷	۴۹	۱۶۵
۳/۲۷	۳/۲۷	۳/۰۸	۳/۳۳	۳/۱۳	۳/۳۲
۰/۹۴	۰/۹۷	۱/۰۲	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۹۴
-۰/۰۰		۱/۷۲		۱/۲۵	
۲۱۳		۲۱۲		۲۱۲	
۰/۹۹۵		۰/۰۸۵		۰/۲۱۲	

طبق جدول (۵) آزمون تی گروه‌های مستقل بیانگر آن است که میانگین نمره دانشجویان زن و مرد در مقیاس تمایل به مهاجرت تفاوت معناداری ندارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین نمره در مردان و زنان همچنین در دانشجویان مجرد و متأهل در مقیاس تمایل به مهاجرت تفاوت معناداری ندارد. در مورد مقطع تحصیلی نیز میانگین نمره دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری تفاوت معناداری ندارد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق برای سه متغیر جنس، وضعیت تأهل و مقطع تحصیلی تأیید نمی‌شود.

تحلیل واریانس تمایل به مهاجرت در گروه‌های تحصیلی

جدول (۶) آزمون تحلیل واریانس نمره تمایل به مهاجرت برای گروه‌های تحصیلی

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
۱۵/۹۴	۲	۷/۹۷	۹/۳۴	۰/۰۰۰
بین گروهی				

چنانچه نتایج آزمون تحلیل واریانس جدول (۶) نشان می‌دهد میانگین نمره تمایل به مهاجرت در گروه‌های تحصیلی تفاوت معنادار دارد. اجرای آزمون تکمیلی «توکی» نشان داد که میانگین نمره تمایل به مهاجرت در دانشجویان گروه علوم انسانی از دو گروه دانشجویان فنی و مهندسی و دانشجویان علوم پایه به طور معناداری پایین‌تر است. اما میانگین نمره دانشجویان فنی و مهندسی و علوم پایه تفاوت معنادار ندارد. میانگین نمره تمایل به مهاجرت در گروه علوم انسانی ۲.۹ و در گروه فنی - مهندسی ۳.۷ و در گروه علوم پایه ۳.۳۷ است.

فرضیه سوم: میزان تمایل به مهاجرت بر حسب وضعیت اقتصادی (اشتغال، پایگاه اقتصادی - اجتماعی) متفاوت است.

جدول (۷) آزمون تحلیل واریانس تمایل به مهاجرت به تفکیک وضعیت شغلی و پایگاه

اقتصادی - اجتماعی

تعداد	وضعیت شغلی			پایگاه اقتصادی - اجتماعی		
	غیر شاغل	نیمه وقت	تمام وقت	مرفه	متوسط بالا	متوسط پایین
۱۳۲	۵۵	۲۸	-	۱۷	۹۹	۷۳
۳/۳۱	۳/۲۹	۳/۰۱	-	۳/۲۹	۳/۲۰	۳/۲۸
میانگین						

	پایگاه اقتصادی - اجتماعی				وضعیت شغلی			
	کارگری	متوسط پایین	متوسط	متوسط بالا	مرفه	تمام وقت	نیمه وقت	غیر شاغل
انحراف معیار	۰/۸۱۱	۰/۹۱۷	۱/۰۴۷	۰/۸۲۱	-	۱/۰۷۹	۰/۹۲۷	۰/۹۴۴
اندازه تی	۱/۴۵۱				۲/۰۹۱			
درجه آزادی	۳				۲			
سطح معناداری	۰/۴۸۴				۱/۰۴۶			
تعداد	۰/۵۲				۱/۱۳			
میانگین	۰/۶۶				۰/۳۲			

آزمون تحلیل واریانس در جدول (۸) نشان می‌دهد که دانشجویان دارای شغل تمام وقت، بدون شغل و دارای شغل نیمه وقت از نظر میانگین نمره تمایل به مهاجرت با هم تفاوت معناداری ندارند. همچنین میانگین نمره تمایل به مهاجرت در دانشجویان به تفکیک وضعیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی (طبقه کارگری، متوسط پایین، متوسط، متوسط بالا، طبقه مرفه) تفاوت معناداری ندارد. به عبارت دیگر، میانگین نمره تمایل به مهاجرت در بین دانشجویان در پایگاه‌های اجتماعی متفاوت، نزدیک به هم است. در نتیجه فرضیه سوم تأیید نمی‌شود.

جدول (۸) شاخص‌های هم خطی چندگانه برای متغیرهای مستقل

تعلق اجتماعی	اعتماد نهادی	تعلق دینی	
۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۶۱	شاخص تحمل
۱/۵۸	۱/۵۸	۱/۶۲	عامل تورم واریانس

فرضیه چهارم: متغیرهای تعلق دینی، اعتماد نهادی و تعلق اجتماعی اثرات مستقیم و غیر مستقیم بر میزان تمایل به مهاجرت دارد.

برای بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تعلق دینی، اعتماد نهادی و تعلق اجتماعی بر متغیر وابسته از روش مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در این روش لازم است پیش

از بررسی مدل، آزمون «هم خطی چندگانه» انجام شود. این آزمون در نرم افزار spss انجام و شاخص های «تحمل»^۱ و «عامل تورم واریانس»^۲ برابر جدول شماره ۹ در منطقه مطلوب به دست آمد.

جدول (۹) آزمون شاخص های کلیت مدل معادلات ساختاری

شاخص	شاخص های برازش مقتصد			شاخص های برازش تطبیقی
	CMIN/DF	RMSEA	PCFI	CFI
اندازه	۱/۶۷۰	۰/۰۵۶	۰/۸۶۲	۰/۹۵۱
معیار	۱ تا ۵	تا ۰/۰۸	بالاتر از ۰/۵	۰/۹ و بالاتر

یکی دیگر از مفروضات، پیش از بررسی روابط متغیرها و اجزای مدل، اندازه مطلوب شاخص های برازش کلیت است. این شاخص ها در جدول ۱۰ بیانگر مطلوب بودن کلیت مدل است.

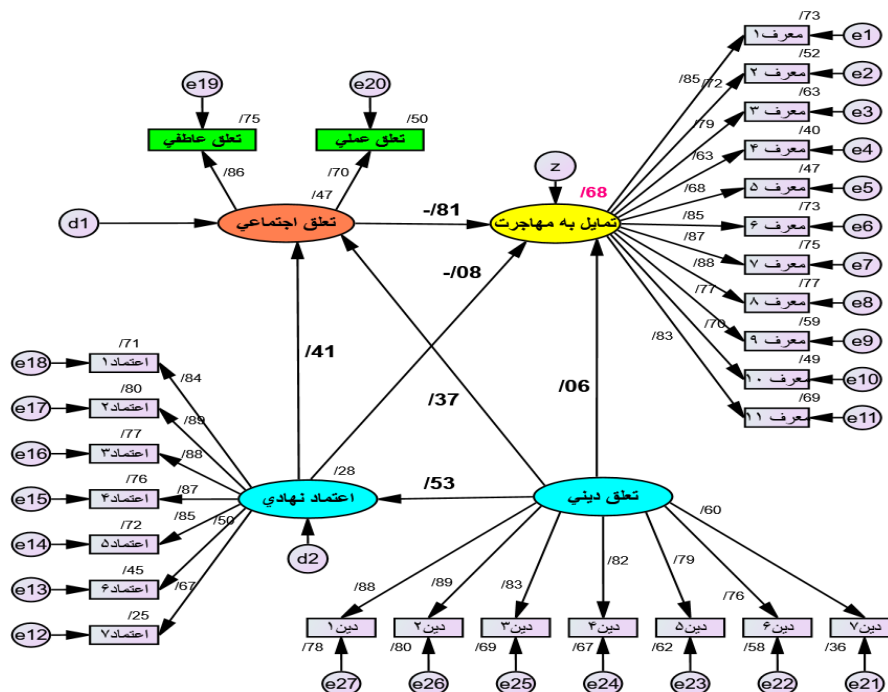
جدول (۱۰) آزمون معناداری ضرایب رگرسیونی غیراستاندارد مدل معادله ساختاری

P	C.R.	S.E.	Estimate			
***	۵/۱۹	/۰۹۳	۰/۴۸	اعتماد نهادی	<---	تعلق دینی
***	۴/۴۳	۰/۰۹۸	۰/۴۳	تعلق اجتماعی	<---	تعلق دینی
***	۴/۵۱	۰/۱۱۶	۰/۵۲	تعلق اجتماعی	<---	اعتماد نهادی
***	-۱۱/۱۱	۰/۱۱۴	-۱/۲۶	تمایل به مهاجرت	<---	تعلق اجتماعی
۰/۳۹۰	۰/۸۶	۰/۱۳۴	۰/۱۱	تمایل به مهاجرت	<---	تعلق دینی
۰/۲۹۷	-۱/۰۴	۰/۱۵۲	-۰/۱۵	تمایل به مهاجرت	<---	اعتماد نهادی

چنانچه جدول مشخص می کند ضرایب رگرسیونی مدل در اثر تعلق دینی و اعتماد نهادی بر تمایل به مهاجرت معنادار نیست و در سایر موارد معنادار است.

¹Tolerance

² Variance inflation factor



نمودار (۱) مدل معادله ساختاری تمایل به مهاجرت و متغیرهای اثرگذار

نمودار ۱، نشان می‌دهد درحالی‌که تأثیر مستقیم دو متغیر تعلق دینی و اعتماد نهادی بر گرایش به برون کوچی دانشجویان نزدیک به صفر است؛ ضریب تأثیر مستقیم متغیر تعلق اجتماعی بر تمایل به مهاجرت -0.81 به صورت معکوس و در سطح شدید است. ضریب تعیین مشخص شده بر روی متغیر وابسته، حاکی از آن است که 68% از واریانس تمایل به مهاجرت به واسطه متغیر تعلق اجتماعی تبیین می‌شود.

از سوی دیگر متغیرهای اعتماد نهادی و تعلق دینی به طور غیرمستقیم بر گرایش به مهاجرت از ایران تأثیر دارد. این تأثیر از طریق متغیر میانجی تعلق اجتماعی اعمال می‌شود. این دو متغیر به ترتیب 0.41 و 0.37 بر متغیر تعلق اجتماعی اثر دارد. همین‌طور تعلق دینی بر اعتماد نهادی تأثیر مثبت در سطح قوی دارد (0.53). به این ترتیب متغیر تعلق دینی هم از طریق تأثیر بر اعتماد

نهادی به صورت غیرمستقیم و هم به صورت مستقیم بر تعلق اجتماعی اثرگذار است. نکته دیگر اینکه ۰/۴۷ واریانس تعلق اجتماعی با واریانس دو متغیر تعلق دینی و اعتماد نهادی تبیین می شود.

جدول (۱۱) اثرات استاندارد شده مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر تمایل به

مهاجرت

	تعلق اجتماعی			اعتماد نهادی			تعلق دینی		
	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
تمایل به مهاجرت	-۰/۸۱	۰/۰۰۰	-۰/۸۱	-۰/۳۳	-۰/۳۳	-۰/۳۳	-۰/۵۲	-۰/۵۲	-۰/۵۲
ضریب معناداری	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	-

جدول (۱۱) گویای آن است که در مجموع تعلق دینی ۰/۵۲- بر تمایل به مهاجرت تأثیر غیرمستقیم از طریق متغیرهای میانجی اعتماد نهادی و تعلق اجتماعی دارد که این اثر معکوس است (بدون محاسبه اثر مستقیم تعلق دینی بر میل به مهاجرت که معنادار نیست). اعتماد نهادی نیز به میزان ۰/۳۳- بر تمایل به مهاجرت اثر غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی تعلق اجتماعی دارد. تنها اثر مستقیم مربوط به تعلق اجتماعی و معادل ۰/۸۱- برآورد شده است. ضرایب معناداری که از طریق «خودگردان سازی» در نرم افزار ایموس به دست آمد نشان داد که اثرات استاندارد شده کل متغیرهای مدل بر هم از صفر فاصله معنادار دارد و نتیجه به دست آمده از نمونه آماری قابل تعمیم به جامعه آماری است. باین وصف فرضیه چهارم تحقیق تأیید می شود.

بحث و نتیجه گیری

تمایل به مهاجرت از ایران، به ویژه در نیروی انسانی جوان، تحصیل کرده و متخصص در سال های اخیر همواره مورد توجه کارشناسان، فعالان سیاسی و رسانه ها قرار گرفته است؛ باین وصف هدف این مقاله شناخت میزان این تمایل در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان و عوامل مؤثر بر آن تعیین شد.

نتایج نشان داد میزان تمایل به مهاجرت در جامعه آماری تحقیق در حد متوسط (مقیاس) و اندکی بالاتر است. این یافته با نتایج تحقیقات فیروزه سوره و همکاران (۱۳۹۹)، قاضی‌نژاد و اوشانی (۱۳۹۶)، شهریاری پور و همکاران (۱۳۹۶) و فروتن و شیخ (۱۳۹۶) در سایر دانشگاه‌های ایران هم‌سویی دارد. از این جهت وضعیت در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان نیز مشابه دانشگاه‌های دیگر است.

دلایل تمایل به مهاجرت، در چهار دسته از متغیرهای زمینه‌ای، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی جستجو شد. در مورد متغیرهای زمینه‌ای تنها در بین گروه‌های تحصیلی، تفاوت معنادار وجود داشت. میانگین نمره دانشجویان گروه علوم انسانی (۲.۹۷) به طور معناداری با میانگین نمره دانشجویان فنی - مهندسی و علوم پایه (به ترتیب: ۳.۷ و ۳.۳۷) متفاوت به دست آمد. این یافته، پیش‌از این در تحقیق قاضی‌نژاد و اوشانی (۱۳۹۶) نیز تأیید شده است. دلیل این تفاوت معنادار احتمالاً مربوط به محدودیت‌های بازار کار در کشورهای دیگر برای گروه تحصیلی علوم انسانی و همین‌طور تعلق بیشتر به نظام فرهنگی جامعه است. میانگین نمره تمایل به مهاجرت به تفکیک جنس، تأهل و مقطع تحصیلی تفاوت معناداری ندارد. بی‌اثری متغیرهای زمینه‌ای در تمایل به مهاجرت با یافته‌های پژوهش سیمپسون (۲۰۲۲) مبنی بر تأثیر متغیرهای دموگرافیک بر مهاجرت و پژوهش فروتن و شیخ (۱۳۹۶) مبنی بر تأثیر سن، جنس و وضعیت تأهل بر میل به مهاجرت مغایر است.

جنبه دیگری از یافته‌ها نشان داد که گرایش به مهاجرت در همه زیر گروه‌های متفاوت از نظر پایگاه اجتماعی - اقتصادی از سطح متوسط بالاتر است. این یافته به این معنی نیست که وضعیت اقتصادی کشورهای مقصد، جنبه کششی برای جامعه تحقیق ندارد یا وضعیت اقتصادی کشور، عامل فشار در این زمینه نیست؛ چنانچه یافته‌های پژوهش‌های حیدری سورشجانی و فلاحی (۱۴۰۰)، فیروزه سوره و همکاران (۱۳۹۹)، قمریان و همکاران (۱۳۹۸)، فروتن و شیخ (۱۳۹۶) در داخل و نتایج برخی پژوهش‌های خارجی (کبیر، ۲۰۲۱؛ نغیا، ۲۰۱۹؛ میهی رامیرز و کومپیکایت، ۲۰۱۴) تأیید کرده‌اند؛ بلکه استنباط می‌شود که عامل مهم‌تری، متغیر عامل اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است؛ به گونه‌ای که حتی وضع اقتصادی مناسب تر افراد سبب تمایل پایین تر آن‌ها به برون کوچی نشده است.

این نکته با تأمل در یافته‌های مربوط به متغیرهای سیاسی و فرهنگی - اجتماعی (اعتماد به نهادهای حکمرانی، تعلق دینی و تعلق اجتماعی) روشن تر می‌شود. نتایج حاصل از اجرای مدل‌سازی

معادلات ساختاری نشان داد که تعلق اجتماعی به عنوان یک متغیر کلیدی در تعیین میزان تمایل به مهاجرت نقش ایفا می کند. ضریب همبستگی قوی بین دو متغیر حاکی از آن است که تمایل به مهاجرت به میزان بالایی تحت تأثیر کاهش احساس تعلق به جامعه قرار دارد. این یافته تحقیق، شرح کالینز در نظریه خود مبنی بر تأثیرگذاری احساس تعلق در برنامه های مهاجرت (کارلینگ و کالینز، ۲۰۱۸) را تأیید می کند. همین طور با نتایج تحقیق قاضی نژاد و اوشانی (۱۳۹۶) و فروتن و شیخ (۱۳۹۶) که تأثیر احساس هویت ملی را بر کاهش تمایل به مهاجرت نشان داده اند همپوشانی دارد.

اما تعلق اجتماعی خود تحت تأثیر متغیرهای دیگری تغییر می کند. تأثیر مستقیم اعتماد نهادی بر تعلق اجتماعی و تأثیر غیرمستقیم آن بر میل به مهاجرت در این پژوهش تأیید شد. اعتماد نهادی وابستگی نزدیکی با کارکردهای نهادهای حکمرانی دارد و هرچه این نهادها عملکرد موفق تری داشته باشند یا به سخن دقیق تر بازنمایی عملکرد آن ها در افکار عمومی موفق تر باشد اعتماد به آن ها افزایش می یابد. بر این اساس میزان اعتماد به نهادها هم تحت تأثیر کارایی نهادها و هم تحت تأثیر، نظام ارزشی و مصرف رسانه ای فرد قرار دارد. به نظر می رسد مشکلات و مسائل اقتصادی و سیاسی حادث شده در سال های منتهی به سال ۱۴۰۰ و تنش های تورمی، در کاهش شدید اعتماد نهادی (میانگین نمره ۱.۸ از ۵ در متغیر اعتماد نهادی) مؤثر بوده است. به سخن دیگر کاهش اعتماد نهادی در نقش عامل فشار، موجب کاهش تعلق به جامعه شده و شدت میل به مهاجرت را در دانشجویان افزایش داده است. این یافته ها با توضیحات سیمپسون (۲۰۲۲) و کاستلز (۲۰۱۴) در خصوص تأثیر عوامل و نارضایتی های سیاسی بر مهاجرت و نتایج پژوهش های تجربی داخلی (فیروزه سوره و همکاران، ۱۳۹۹ و روزبهرانی و همکاران، ۱۴۰۱) مبنی بر نقش پر رنگ عوامل سیاسی - اجتماعی بر تمایل به مهاجرت دانشجویان هماهنگ است.

همچنین یافته های آماری، تأثیر غیرمستقیم تعلق دینی بر تمایل به مهاجرت را با جهت معکوس تأیید کرد. این اثر با میانجی گری اعتماد نهادی از یک سو و تعلق اجتماعی از سوی دیگر است. تأثیر تعلق دینی پیش از این نیز در پژوهش قاضی نژاد و اوشانی (۱۳۹۶)، فروتن و شیخ (۱۳۹۶) و پلویانو و همکاران (۲۰۱۸) تأیید شده است. این یافته از جهات مختلف، قابل تبیین است. تعلق دینی از یک سو از مشخصه های گرایش و پایبندی به الگوهای هویت سنتی به حساب می آید و فرد را از هویت مدرن که جهان وطنی از مختصات آن است دورتر می کند و از این رو ارزش های سنتی تعلق به جامعه و ماندن در آن را تقویت می کند و به سخن داوانزو (۱۹۸۱)

وابستگی دینی، بخشی از سرمایه بومی محسوب می‌شود که روند مهاجرت را کند می‌کند (به نقل از زارع و هاشمی، ۱۳۹۴). یا به عبارت هالیواکس (۱۹۵۲) دین، بخشی از خاطره جمعی (به نقل از: اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۳۹) است که می‌تواند منبع احساس تعلق باشد. از سوی دیگر، باتوجه به وضع فعلی ایران و درهم‌تنیدگی نهادهای سیاسی و دینی، با افزایش تعلق دینی، افراد با گروه‌های مستقر در حاکمیت، احساس اشتراک بیشتری در «نظام نمادی» (دورماگن و موشار، ۱۳۹۹: ۲۲۱) خواهند داشت و میزان اعتماد آن‌ها به کارکرد این نهادها افزایش می‌یابد و از این طریق تمایل آن‌ها به مهاجرت کم‌تر خواهد شد. به بیان دیگر افرادی که نظام ارزشی خود را با ارزش‌های رسمی و حاکمیتی نزدیک احساس می‌کنند، اعتماد بیشتری به نهادهای سیاسی دارند. در پایان بایستی اذعان داشت که میل به مهاجرت از کشور در گروه نسبتاً فراوانی از سرمایه انسانی کشور که در این پژوهش و پژوهش‌های مشابه پیشین مورد تأیید قرار گرفت نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر و گسترده‌تری هم از جنبه جامعه آماری و هم از بعد دیدگاه‌های نظری دارد. طبیعتاً تمامی افرادی که اظهار به تمایل به مهاجرت نموده‌اند قصد خود را به دلایل متفاوتی عملی نخواهند کرد اما محتمل است که تمایل به مهاجرت همراه با کاهش حس تعلق به «کل» موجب کاهش مشارکت اجتماعی و فعال‌گرایی در این گروه‌ها و نوعی از حس بلاتکلیفی مضر شود. از سوی دیگر همه دلایل مهاجرت را نیز نمی‌توان در نقص ساختارها و کاستی نهادهای حکمرانی جستجو کرد و از جریان بین‌المللی مهاجرت، شبکه مهاجرین و انگیزش‌ها (آرزوها و قابلیت‌ها) غافل ماند. با این وجود نقش نهادهای حاکمیتی در اعتمادسازی، افزایش کارایی و پاسخ‌گویی عملی به رفع نیازهای مادی و فرامادی گروه‌های متخصص و جوان کشور و برنامه‌ریزی در زمینه تقویت عوامل کششی که موجب بهبود حس تعلق اجتماعی می‌شود اهمیت فراوان دارد.

منابع

- اسمیت، فلیپ و رایلی، الگزنذر (۱۳۹۴). *نظریه فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- حبیبی، آرش و کلاهی، بهاره (۱۴۰۱). *مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی (آموزش کاربردی نرم‌افزار Lisrel)*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسینی، سید خلیل؛ صبوری خسروشاهی، حبیب و معدنی، سعید (۱۳۹۹). "عوامل مؤثر بر گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته"، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۴۷، شماره ۳: ۵۱-۶۲.
- حیدری سورشجانی، رسول و فلاحتی، فرشاد (۱۴۰۰). "شناسایی عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان با تأکید بر محیط کالبدی کشورهای مقصد (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کاشان)"، *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، دوره ۱۱، شماره ۳۵: ۱۶۰-۱۳۲.
- دورماگن، ژان - ایو و موشار، دانیل (۱۳۹۹). *مبانی جامعه‌شناسی سیاسی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات آگه.
- رنانی، محسن (۱۴۰۰). *فرسایش تمدنی ایران با مهاجرت نخبگان*، T.me/Renani_Mohsen، دریافت شده در ۲۰ مرداد ۱۴۰۰.
- روzbهانی، سمیه؛ امیرنژاد، سعید و عظیمی دلارستانی، عادل (۱۴۰۱). "تدوین مدل عوامل مؤثر بر مهاجرت دانشجویان و دانش‌آموختگان علوم ورزشی به خارج از کشور"، *نشریه پژوهش در ورزش تربیتی*، دوره ۱۰، شماره ۲۸: ۱۶۱-۱۹۰.
- زارع، سعید و هاشمی، سیده حکیمه (۱۳۹۴). "بررسی رابطه انواع دین‌داری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت خارج از کشور (دانشجویان کلیه مقاطع دانشگاه علامه طباطبائی)"، *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، دوره ۶، شماره ۳: ۵۳-۸۰.
- سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (بی‌تا). *نرخ تورم و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی*، از: https://www.cbi.ir/Inflation/Inflation_FA.aspx (دریافت‌شده در ۲۶ مرداد ۱۴۰۲).
- سردارنیا، خلیل اله؛ بدری، کوروش و امینی زاده، سینا (۱۴۰۰). "رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و اعتماد نهادی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز"، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، شماره ۳۶: ۱۲۵-۹۹.
- سلیمی، خاطره (۱۳۹۷). "بررسی میزان تمایل دانشجویان دانشگاه تهران به مهاجرت تحصیلی و عوامل مؤثر بر آن"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.

شهریاری پور، رضا؛ امین بیدختی، علی اکبر؛ محمدی فر، محمدعلی و کیانی، کورش (۱۳۹۶). "تأثیر جو دانشگاه و نظام ارزشی بر گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه سمنان)"، *نشریه مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۸، شماره ۲: ۹۹-۱۲۰.

صادقی جعفری، جواد؛ یزد خواستی، بهجت و اجتهادی، مصطفی (۱۳۹۷). "تحلیلی بر احساس تعلق مردم به جامعه در حال تغییر ایران و عوامل مؤثر بر آن"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۹، شماره ۱: ۲۶-۳.

صلواتی زاده، بهرام (۴ آبان ۱۴۰۱). با مهاجرت توده‌وار مواجهیم، روزنامه شرق، شماره ۴۴۰۴، <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-859555>، (دریافت شده در ۵ بهمن ۱۴۰۱).

صلواتی زاده، بهرام (۱۳۹۹). *سالنامه مهاجرتی ایران*. تهران: دانش‌بنیان فناوری.

صلواتی زاده، بهرام (۱۴۰۰). *سالنامه مهاجرتی ایران*. تهران: دانش‌بنیان فناوری.

فروتن، یعقوب و شیخ، مرتضی (۱۳۹۶). "بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت بین‌المللی"، *مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۱۰: ۷۹-۶۱.

فقیهی، فریما (۱۳۹۸). "گرایش به مهاجرت دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

فیروزه سوره، راضیه؛ نجاتی حسینی، سید محمود؛ موسوی، یعقوب و امیر مظاهری، مسعود (۱۳۹۹). "تحلیل اجتماعی تمایل به مهاجرت دانشگاهیان"، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، شماره ۱۳: ۱۴۳-۱۳۲.

قاضی‌نژاد، مریم و خانی اوشانی، نسرين (۱۳۹۶). "رابطه بین بازاندیشی در هویت و گرایش به مهاجرت از کشور (پژوهشی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی تهران)"، *نشریه مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۸، شماره ۲: ۱۵۱-۱۷۴.

قمریان، فاطمه؛ فتحی، سروش و نوابخش، مهرداد (۱۳۹۸). "بررسی پدیده مهاجرت از دیدگاه دانشجویان دولتی (شریف و علم و صنعت)"، *نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، دوره ۲، شماره ۴: ۲۷۳۷-۲۷۲۱. کوئن، بروس (۱۳۹۹). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت. گیدنز، آنتونی و ساتن، فیلیپ (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی*. ترجمه هوشنگ نایی. جلد دوم. تهران: انتشارات نشر نی.

معیدفر، سعید (۲۳ دی ۱۴۰۱). مهاجرت‌هایی که راهش را باز گذاشتند، روزنامه شرق، شماره ۴۴۷۱، <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-867085>، (دریافت شده در ۵ بهمن ۱۴۰۱).

Abbott, A., & Silles, M. (2016). Determinants of international student migration. *The World Economy*, 39(5), 621-635.

Carling, J., & Collins, F. (2018). Aspiration, desire and drivers of migration. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 44(6), 909-926.

- Castles, S., De Haas, H., & Miller, M. J. (2014). *The age of migration: International population movements in the modern world*. Guilford Press.
- De Haas, H. (2021). A theory of migration: the aspirations-capabilities framework. *Comparative migration studies*, 9(1), 1-35.
- Ghatak, S., Levine, P., & Price, S. W. (1996). Migration theories and evidence: an assessment. *Journal of Economic Surveys*, 10(2), 159-198.
- Kabir, H. (2021). Notion of belonging in the nation-state: gendered construction of international migration aspirations among university students in Bangladesh. *Migration Letters*, 18(4), 463-476.
- Leblang, D., & Peters, M. E. (2022). Immigration and Globalization (and Deglobalization). *Annual Review of Political Science*, 25, 377-399.
- Massey, D. S., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci, A., Pellegrino, A., & Taylor, J. E. (1993). Theories of international migration: A review and appraisal. *Population and development review*, 19(3), 431-466.
- Mihi-Ramirez, A., & Kumpikaite, V. (2014). Economics reason of migration from point of view of students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 109, 522-526.
- Myers, S. M. (2000). The impact of religious involvement on migration. *Social Forces*, 79(2), 755-783.
- Nghia, T. L. H. (2019). Motivations for studying abroad and immigration intentions: The case of Vietnamese students. *Journal of International Students*, 9 (3), 758-776.
- Plopeanu A-P, Homocianu D, Mihăilă AA, Crișan EL, Bodea G, Bratu R-D, Airinei D. Exploring the Influence of Personal Motivations, Beliefs and Attitudes on Students' Post-Graduation Migration Intentions: Evidence from Three Major Romanian Universities. *Applied Sciences*. 2018; 8(11):2121.
- Pollini, G. (2005). Elements of a theory of place attachment and socio-territorial belonging. *International Review of Sociology—Revue Internationale de Sociologie*, 15(3), 497-515.
- Shkoler, O., Rabenu, E. The motivations and their conditions which drive students to seek higher education in a foreign country. *Curr Psychol* (2022).
<https://doi.org/10.1007/s12144-022-03619-5>
- Simpson, N. B. (2022). Demographic and economic determinants of migration. *IZA World of Labor*, 373 v 2
- Stark, O. (1984). Discontinuity and the theory of international migration. *Kyklos*, 37 (2), 206-222